یادداشت روز

حرکت بسیج در امتداد حرکت فاطمی(س)

در تقویم فرهنگی جمهوری اسلامی، برخی همزمانی‌ها تصادفی نیستند؛ بلکه گویی زمان، خود به مثابه رسانه‌ای الهی، مفاهیم را در کنار هم می‌نشاند تا معناهای تازه‌ای از ایمان و مسئولیت رقم بخورد. یکی از این تلاقی‌های معناگرایانه، تقارن «هفته بسیج» با «ایام شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها» است که امسال رقم خورده است.تقارنی که اگر صرفاً از منظر تاریخ به آن نگریسته شود، شاید امری طبیعی بنماید، اما در خوانش اجتماعی و معنایی خود، حامل مفهومی ژرف از تداوم خط ولایت، جهاد و مسئولیت ایمانی در دو مقطع زمانی؛ یکی در دوران غربت امیرالمؤمنین علی(ع) و دفاع عصمت کبری زهرای مرضیه سلام الله علیها از ولایت تا پای جان بود و دیگری دفاع جانانه فرزندان امیرالمؤمنین و زهرای اطهر در ۱۴ قرن پس از آن حادثه غمبار بود که توسط بسیج این راست‌قامتان تاریخ، در دفاع از حقانیت دین و ولایتی بود که میراث ماندگار و ذی‌قیمت صدیقه طاهره است و بسیج بدرستی درک کرد که اگر نمی‌خواهد حوادث پس از رحلت نبی مکرم اسلام تکرار شود باید به ریسمان ولایت چنگ زده و خامنه‌ای عزیز را همچون خمینی کبیر عزیز داشته و لحظه‌ای از حمایت خط او غفلت نورزد و این بزرگ‌ترین درسی بود که بسیج از فلسفه دفاع از ولایت حضرت زهرا سلام الله علیه آموخت.

حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها نخستین سرمایه‌گذار بزرگ در مسیر «دفاع از حقیقت»؛ سرمایه‌ای از ایمان، آگاهی و ایثار که مسیر تاریخ را تا همیشه روشن ساخت. او با تمام وجود ایستاد تا حق در میانه غوغای قدرت‌طلبی گم نشود. بسیج نیز در امتداد و با الگو گرفتن از همان ایستادگی، در دوران معاصر این رسالت را بر دوش گرفت تا دفاع از حق بار دیگر در قامت جمعی از مؤمنان مجاهد تداوم یابد.این همراهی دو حقیقت، از سویی فاطمه سلام الله علیها را از گذشته به اکنون کشاند و از سوی دیگر، بسیج را از اکنون تا آینده بسیار دور معنا می‌بخشد. در روزگاری که نبرد ایمان و تحریف‌ها، دیگر فقط در میدان سلاح‌ها تعریف نمی‌شوند، بلکه این ذهن‌ها و رسانه‌ها هستند که حقیقت‌ها را تعریف و بعضا وارونه جلوه می‌دهند و جریان‌سازی می‌کنند، تقارن ایام فاطمیه با هفته بسیج،یادآور آن است که جهاد در هر عصر وجود داشته و چنین جهادی از«عقلانیت و عمل فاطمی» ریشه گرفته و «حرکت بسیجی» را جهت داده و قوت می‌بخشد.

با این نگاه، سخن از دو مناسبت متفاوت نیست؛ بلکه سخن از یک حقیقت در دو تجلی است: فاطمه(س) به‌عنوان «آگاهی مؤمنانه» در تاریخ و بسیج به‌عنوان «حرکت مؤمنانه» در اجتماع است و هر دو بر محور ولایت می‌چرخند، هر دو در شرایط تهدید زاده شده‌اند و هر دو نشان داده‌اند که چگونه می‌توان از درون مظلومیت، قدرتی فرهنگی، تمدنی و الهام‌بخش را خلق کرد.

ما معتقدیم شناخت وجود مبارک حضرت زهرا(س) بدون شناخت وجود مبارک امیرالمؤمنین علی(ع) ممکن نیست و حضرت زهرا هم معرفت یافتن به حضرت باریتعالی را بدون شناخت ولی خدا که در وجود علی(ع) تجلی یافته بود، ممکن نمی‌دانست. با همین نگاه است که رهبر حکیم انقلاب در دیدار با بسیجیان همواره بسیج را از نگاه پیر روشن ضمیر جماران تعریف می‌کنند. این از برکات این انقلاب و سابقه و پشتوانه محکم و درخشان آن است که رهبری انقلاب با گذشت ۳۶ سال سکان اداره کشور بعد از امام (ره)، برای تبیین و توصیف یک پدیده به خالق آن پدیده رجوع می‌کنند. رهبر انقلاب وقتی می‌خواهند انقلاب و حرکت رو به جلوی آن را بازشناسی کنند هیچ شخصیتی را سزاوارتر از امام برای اینکه ثابت شود انقلاب چه بود و چه کرد، نمی‌شناسند.از همین رو است که در مراسم و نشست‌های مختلف سالانه هفته بسیج، بارها و بارها دیده‌ایم که رهبری بسیج را با پیام ۵ آذر ۱۳۶۷ حضرت امام(ره) به جامعه معرفی می‌کنند.

خیلی‌ها به غلط تصور می‌کنند که شاه بیت سخنان امام راحل مربوط به سال‌های اولیه انقلاب بوده و با گذشت زمان و دیدن برخی اشتباهات که طبیعت هر نظام تازه شکل گرفته‌ای است امام در بیان تعریف‌ها و آمال و آرزوهای خود تعدیل مواضع داده‌اند. با توجه به همین برداشت اشتباه است که می‌بینیم امروز بعضی از افراد مشهور که ۱۰ سال در کنار امام بودند و مواضع آن پیر خوش‌ضمیر و یگانه دوران را دیده و شنیده بودند وقتی بحث تسخیر لانه جاسوسی مطرح می‌شود، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گوئی مواضع امام درخصوص حوادث انقلاب مربوط به سال‌های اولیه انقلاب بوده و در سال‌های بعدی انقلاب امام از مواضع خود عدول کرده‌اند. این در حالی است که یکی دو سال پایانی عمر بابرکت امام و تاکید ایشان روی برخی موارد و اصول لاینقطع و بلا شک انقلاب نشان می‌دهد امام سفر کرده ما نه تنها در این موارد کوچک‌ترین تغییری در مواضع‌شان در مقایسه با سال‌های اولیه انقلاب نداشته‌اند بلکه پافشاری بر حقانیت این موضوعات نشان از اهمیت و درستی مسیری است که در طول حیات مبارکشان و پس از آن، طی می‌شده است. از جمله آنها می‌توان به چهار پیام تاریخی امام راحل اشاره کرد. پیام به گورباچف و دادن این هشدار که صدای شکستن استخوان‌های مارکسیست و نظام الحادی به گوش می‌رسد و نسبت به شکستن و فروپاشی نظام‌های سرمایه‌داری و مستکبر جهان غرب نیز هشدار دادند.پیام حج خونین سال ۶۶ که امام راحل حکومت‌های ارتجاعی و وابسته عربی منطقه را دست نشاندگان آمریکا معرفی کردند و فرمودند: «اگر می‌خواستیم پرده از چهرهٔ کریه دست نشاندگان آمریکا برداریم و ثابت کنیم که فرقی بین محمدرضاخان و صدام آمریکایی و سران حکومت مرتجع ... در اسلام زدایی و مخالفتشان با قرآن نیست و همه نوکر آمریکا هستند... باز به این زیبایی میسر نمی‌گردید». سومین پیام، «منشور روحانیت» بود که امام در سوم اسفند ۶۷ یعنی سه ماه قبل از ارتحالشان صادر کردند.امام در این پیام مهم تاریخی با تاکید بر کارکرد این نهاد مهم دین و خصوصیاتی از قبیل شجاعت، صبر، زهد، عدم وابستگی روحانیت به قدرت‌ها و از همه مهم‌تر احساس مسئولیت در برابر مردم از ویژگی بارز این طبقه جامعه یاد کردند و پس از بیان این خصوصیات، به خطر تحجرگرایان و مقدس نماها در این قشر پرداختند و ۳۶ سال پیش امروز را می‌دیدند که می‌فرمایند: «طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس‌مآبی و دین فروشی عوض شده است. شکست‌خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز شده‌اند. آنها که به خود اجازه ورود در امور سیاست را نمی‌دادند، پشتیبان کسانی شده‌اند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته‌اند.» اشاره آن روز امام به افراد امروزی است که در کسوت لباس روحانیت و به دروغ وفادار به امام، نامه به رهبری می‌نویسند و از فتنه‌گران حمایت می‌کنند یا نسخه ذلت مذاکره مستقیم با آمریکا و دست تسلیم بالا بردن در مقابل دشمنی را می‌دهند که وقیحانه به خاک کشور حمله کرده است.

در کنار این سه پیام بی‌نظیر، قطعا یکی از مهم‌ترین پیام‌ها در سال پایانی عمر بابرکت امام راحل آخرین پیام آن حضرت به بسیج در سالروز تشکیل این نهاد مردمی بود. در این پیام که در واقع منشور بسیج است، رضایت از یک مجموعه موج می‌زند و امام از واژگانی در وصف بسیج استفاده کرده‌اند که به جرات می‌توان گفت برای هیچ مجموعه‌ای از انقلاب چنین نبوده است.ذره‌ای در این پیام ناامیدی و نگرانی و یا دلخوری از عملکرد ۱۰ ساله این نهاد ارزشمند دیده نمی‌شود و سراسر پیام امیدواری به آینده به پشتوانه وجود چنین نهادی است که اگر چنین نبود امام که خود یک عارف الهی بود به خلوص و صفای بسیجیان غبطه نمی‌خوردند و از خدا نمی‌خواستند که ایشان را با بسیجیانش محشور گرداند.دست بسیجیان را بوسیدن که به تعبیر حکیم فرزانه انقلاب این بوسیدن دست بسیجیان که امام بر آن افتخار می‌کنند مربوط به دوره ۱۰ ساله حیات حضرت نبود و شامل همه اعصاری که آمده و رفته است و در آینده نیز خواهد آمد، می‌شود. پیام امام به بسیج در سال پایانی عمر سراسر برکتشان، تنها پیامی است که کوچک‌ترین اندازی از روی نگرانی از آینده با داشتن چنین نیرویی در آن دیده نمی‌شود. گویا امام عزیز سفر کرده ما می‌خواست با بیان «بسیج شجره طیبه» و آن جملات سراسر تمجید و امیدوارانه به حاضرین و آیندگان بگویند بسیج نه در آن عصر، بلکه در همه اعصار طیبه بوده و خواهد بود. در طول این ۳۶ سال پس از امام، با اقدامات و رفتارهایی که در بسیج دیده شده، ثابت گردید تشخیص امام در این تمجیدها بی‌حساب نبوده است. در آن مقطع زمانی اصلی‌ترین عمل بسیج در دوران جنگ و فعالیت سال‌های اولیه این مجموعه بود و هنوز بسیج را در هزاران فعالیت دیگر از ریشه‌کنی فلج اطفال گرفته تا دفع خطر داعش و گروه‌های تکفیری تا برقراری امنیت در کشور و حضور در کف جامعه برای کمک به بیماران کرونا تا ایجاد امنیت و آرامش در مردم در حالی که رژیم صهیونیستی و آمریکا در جنگ ۱۲ روزه به خاک کشورمان تجاوز کرده بود تا تلاش دانشمندان بسیجی برای رساندن کشور به فناوری هسته‌ای، سلول‌های بنیادی و هزاران اقدام دیگر بسیج اتفاق نیفتاده بود که امام راحل (ره) چنین قضاوتی را درباره حال و آینده بسیج داشتند. امام روشن ضمیر ما می‌دانستند آنچه خلق کرده از چه ظرفیت بزرگی برخوردار است که همه امید و آرزوهای خود را در این مجموعه با برکت تعریف می‌کردند. امام آن روز که چنین پیامی را در واپسین ماه‌های حیات خود برای بسیج دادند، سد پولادین بسیج را در مقابل دشمن مستکبر و عنود، نگاه مهربانانه بسیج در مواجهه با مردم گرفتار سیل، زلزله، کرونا و جنگ ۱۲ روزه را دهها سال بعد با چشم معنوی خویش می‌دیدند که فرمودند «اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین‌انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد گردید و الّا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند.»

حسن رشوند

اذعان رسانه آمریکایی به فرار بی‌سابقه اسرائیلی‌ها در نتیجه حملات موشکی ایران در جنگ ۱۲ روزه

روزنامه واشنگتن پست در گزارشی به قلم خبرنگار خود در تل‌آویو نوشت که خروج صهیونیست‌ها از فلسطین اشغالی به دلیل ترس و نارضایتی، به رقمی بی‌سابقه رسیده است.

گزارش «شیرا روبین» در واشنگتن پست با این عنوان منتشر شده است: «اسرائیلی‌ها به دلیل ترس و نارضایتی به تعداد بی‌سابقه‌ای در حال مهاجرت به خارج هستند.»

خبرنگار این روزنامه آمریکایی که در تل‌آویو مستقر است، در گزارش خود به سراغ برخی از خانواده‌های صهیونیست رفته و نظر آنها را درباره خروج از فلسطین اشغالی جویا شده است. او به سراغ یک صهیونیست به نام «آوراهام بیننفلد» رفت. به روایت خبرنگار واشنگتن پست، بیننفلد قبل از عملیات طوفان الاقصی قصد خروج از اسرائیل را داشت اما این عملیات و جنگ غزه، برنامه او را تغییر داد.

روبین نوشت: «آوراهام بیننفلد چنان از سیاست‌های اسرائیل ناامید شده بود که در حال آماده شدن برای مهاجرت به خارج بود...اما (طوفان الاقصی) اسرائیل و برنامه‌های او را دگرگون کرد. بیننفلد در واکنش به این موضوع گفت که او بلافاصله برای خدمت در نیروی ذخیره ارتش بسیج شد و برنامه‌های مهاجرت خود را متوقف کرد. اما اکنون، چند هفته پس از دستیابی اسرائیل و حماس به آتش‌بس در جنگ غزه، بیننفلد در حال جمع کردن وسایل برای مهاجرت به خارج است.»

این صهیونیست به او گفت: «ما تنها چند ساعت با آژیر خطر، حمله تروریستی، جنگ منطقه‌ای، موشک از ایران، با برادرانمان (در ارتش اسرائیل) در غزه و لبنان فاصله داریم، تحمل همه اینها خیلی سخت است.»

به گزارش واشنگتن پست، ده‌ها هزار اسرائیلی طی دو سال گذشته فلسطین اشغالی را ترک کرده‌اند. به روایت این روزنامه، خروج اسرائیلی‌ها در فصل تابستان ۲۰۲۳ در بحبوحه اعتراضات علیه مواضع بنیامین نتانیاهو و حتی قبل از عملیات طوفان الاقصی و جنگ غزه افزایش یافته بود.

طبق گزارش دفتر مرکزی آمار رژیم صهیونیستی، بیش از ۸۰ هزار نفر از ۱۰ میلیون شهروند اسرائیلی در سال ۲۰۲۴ به خارج نقل مکان کرده‌اند و انتظار می‌رود امسال نیز تعداد مشابهی از آنها مهاجرت کنند.

بیننفلد خبر داد که دو سال پیش، در تظاهرات خیابانی گسترده علیه نتانیاهو فعال بود. او گفت که سال آینده به همراه شریک خود به سوئیس خواهد رفت اما همانند بسیاری دیگر از اسرائیلی‌ها مهاجرت‌کرده به خارج، او نمی‌داند چه مدت آنجا خواهد ماند.

واشنگتن پست نوشت: «جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان اسرائیلی می‌گویند که اکثر اسرائیلی‌ها مهاجر، افراد تحصیل‌کرده، پردرآمد، سکولار، چپ‌گرا و عمیقاً منتقد مسیری هستند که رهبران کشور در پیش گرفته‌اند. بسیاری از آنها کارمندان شرکت‌های نوپا، پزشکان و دانشجویانی هستند که در حال تحصیل در مقاطع بالاتر هستند. زوج‌های جوان و خانواده‌های جوان حضور پررنگی دارند.»

روزنامه آمریکایی هشدار داد: «کارشناسان اسرائیلی می‌گویند که این مهاجرت‌ها می‌تواند برای دهه‌های آینده، تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مهمی داشته باشد».

استاد اقتصاد دانشگاه تل‌آویو ایتای آتر، گفت: «فرار مغزهای دیگری در جهان وجود دارد، اما با توجه به جمعیت اسرائیل، این پدیده منحصر به فرد است.»

آتر هشدار داد، کارگران بخش فناوری پیشرفته رژیم صهیونیستی که ۱۱ درصد از نیروی کار این رژیم را تشکیل می‌دهند اما یک‌سوم مالیات فلسطین اشغالی را پرداخت می‌کنند، «حضور پر رنگی در میان مهاجران دارند.» دافنه پاتیشی-پریلوک، بنیانگذار آژانس «ستیلد. این» (Settled.In) که به اسرائیلی‌ها برای مهاجرت کمک می‌کند، گفت که با «حجم بی‌سابقه‌ای از درخواست‌ها» مواجه شده است.

به گفته او، پیش از جنگ غزه، اکثر اسرائیلی‌ها برای فرصت‌های شغلی به خارج می‌رفتند اما اخیراً موکلانش به دنبال رها شدن از «جنگ‌های طاقت‌فرسای اسرائیل و تحولات سیاسی» آن بوده‌اند.

پاتیشی-پریلوک افزود، میزان درخواست صهیونیست‌ها برای خروج از فلسطین اشغالی پس از دفاع مقدس ۱۲ روزه و زمانی که تل‌آویو مورد اصابت موشک‌های ایرانی قرار گرفت، افزایش یافته است. به گزارش واشنگتن پست، خود او نیز سال گذشته از فلسطین اشغالی به بوستون آمریکا نقل مکان کرد. این روزنامه آمریکایی خبر داد: «تخمین زده می‌شود که ۲۰۰۰۰۰ اسرائیلی اکنون در اروپا زندگی می‌کنند. سال‌هاست که اسرائیلی‌ها گذرنامه‌های دوم خود را از کشورهای اتحادیه اروپا، از جمله آلمان، لهستان، اسپانیا و پرتغال دریافت کرده‌اند.»

معلم صهیونیست به نام میشال بار-اور که گذرنامه آلمانی دارد، به همراه پسر سه ساله‌اش پنج ماه قبل از تل‌آویو به هامبورگ رفت. شریک زندگی او که برای یک شرکت فناوری اسرائیلی کار می‌کند، گذرنامه لهستانی دارد و از راه دور کار می‌کند.

بار-اور می‌گوید که در آلمان احساس تنهائی می‌کند، پسرش در مدرسه پیش‌دبستانی آلمانی مشکل دارد و خانواده او هنوز مطمئن نیستند که درهامبورگ بمانند، به برلین بروند، به پرتغال مهاجرت کنند یا به اسرائیل برگردند.

هشدار وزیر خارجه نسبت به پیامدهای قانون‌شکنی اسرائیل در منطقه

وزیر امور خارجه در دیدار با نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور یمن نسبت به پیامدهای قانون شکنی‌های اسرائیل هشدار داد.

هانس گروندبرگ نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور یمن صبح روز دوشنبه سوم آذرماه با سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه در مسقط دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور یمن گزارشی از تحولات مرتبط با یمن ارائه کرد و خواستار تداوم حمایت‌های ایران از نقش و تلاش‌های سازمان ملل برای کمک به بهبود اوضاع و پیگیری روند صلح در یمن شد.به گزارش ایرنا، وزیر امور خارجه ضمن محکوم کردن تجاوزات و حملات رژیم صهیونیستی علیه کشورهای منطقه همزمان با تداوم محاصره و اعمال تحریم علیه یمن، نسبت به پیامدهای قانون‌شکنی اسرائیل در گسترش ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه هشدار داد.

دیدار عراقچی با همتای عمانی

عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران که در رأس هیئتی دیپلماتیک به مسقط سفر کرده بود، عصر یکشنبه دوم آذرماه با سید بدر البوسعیدی وزیر امور خارجه عمان دیدار و گفت‌وگو کرد.این نخستین سفر عراقچی به مسقط بعد از تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران است. قرار بود دور ششم مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در ۲۵ خردادماه در مسقط برگزار شود که دو روز قبل از آن در ۲۳ خردادماه ایران مورد تعرض اسرائیل و آمریکا قرار گرفت. سفر عراقچی به مسقط در چارچوب رایزنی‌های مستمر با همسایگان انجام شده لست. به گزارش فارس، وزرای امور خارجه ایران و عمان در این دیدار ضمن بررسی روابط دوجانبه، در مورد راه‌های گسترش مناسبات و همکاری‌ها در همه زمینه‌های مورد علاقه طرفین به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و تجاری رایزنی کردند. در این دیدار تحولات منطقه خصوصا با توجه به ادامه نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه و تداوم جنگ‌افروزی و جنایات آن علیه لبنان و دیگر کشورهای منطقه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در این دیدار همچنین وزیر امور خارجه با قدردانی از تلاش‌ها و ابتکارهای عمان در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران، آخرین تحولات در این زمینه را تبیین کرد.

دیدار مدیران اجرائی سازمان گفت‌وگوی بشردوستانه با عراقچی

دیوید هارلند مدیر اجرائی مرکز گفت‌وگوی بشردوستانه، به همراه سه نفر از مدیران ارشد این نهاد صبح روز دوشنبه سوم آذرماه در حاشیه نشست مجمع مسقط با سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار، درخصوص روندها و تحولات بین‌المللی به‌ویژه چالش‌ها و خطرات موجود علیه صلح و امنیت بین‌المللی در پرتوی نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل و اصول منشور ملل متحد بحث و تبادل نظر شد.

وزیر امور خارجه ایران با اشاره به شرایط پرالتهاب جهان از جمله منطقه غرب آسیا به واسطه یکجانبه‌گرایی ستیزه‌جویانه آمریکا و تجاوزات و جنایات مستمر رژیم صهیونیستی علیه ملت‌های منطقه، تاکید کرد: مقابله با این روند مستلزم مسئولیت‌پذیری و اقدام مؤثر از سوی همه دولت‌ها و جامعه مدنی بین‌المللی جهت صیانت از دستاوردهای تمدن انسانی و حراست از صلح و حاکمیت قانون است. دیوید هارلند نیز دیدگاه‌های خود را در مورد اهمیت تقویت دیپلماسی به‌عنوان تنها ابزار مؤثر برای صلح‌سازی و حل اختلافات بیان کرد.

خبر ویژه

قهرمان پوشالی تحقیر شد؛ روسیاهی‌اش برای غربگراها ماند

روزنامه‌های غربگرا که زمانی نه چندان دور و در تیترهای اصلی خود، از زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین، «قهرمان میدان»، «رئیس‌جمهوری که کنار مردمش ایستاده» و «قهرمان دیپلماسی برای تأمین منافع ملی» می‌ساختند، اکنون در توجیه انفعال وی مقابل طرح زورگویانه آمریکا درمانده شده‌اند.

زلنسکی آخرین بار گفت: «این یکی از سخت‌ترین لحظات تاریخ است. فشارها بر اوکراین، یکی از سخت‌ترین فشارهاست. ممکن است با انتخاب سختی روبه‌رو شویم، از دست‌دادن عزت، یا خطر از دست‌دادن شریک و متحدی کلیدی(آمریکا)؛ پذیرش طرح ۲۸ ماده‌ای یا زمستان بسیار سخت. ما از جنس فولادیم، اما قوی‌ترین فلزها ممکن است بشکنند و یا شکست بخورند»(!)

روزنامه کارگزارانی و غربگرای سازندگی، چند سال قبل، تصویر زلنسکی با لباس و کلاه نظامی را تصویر و تیتر تمام صفحه اول خود کرده و تیتر زده بود: «رئیس‌جمهورِ در میدان».

اما همین روزنامه پس از اظهارات اخیر زلنسکی، صرفاً یک تیتر کوچ یک ستونی در گوشه صفحه اول با عنوان «شرافت یا شراکت؟» تعبیه کرد و نوشت: «در یکی از پرالتهاب‌ترین مقاطع در تاریخ معاصر اوکراین، ولودیمیر زلنسکی، طرح پیشنهادی ترامپ، برای پایان دادن به جنگ را به مثابه «از دست دادن کرامت ملی» توصیف کرد. زلنسکی با اعتراف به اینکه اوکراین اکنون در «یکی از دشوارترین لحظات تاریخ خود» قرار دارد، پرده از فشار بی‌سابقه‌ای برداشت که ایالات متحده به کی‌یف وارد می‌کند تا این طرح را بپذیرد. اگرچه او تأکید کرد که حاضر به پذیرش آن نیست، همزمان هشداری جدی داد مبنی بر اینکه سرپیچی از واشنگتن ممکن است به قیمت از دست دادن «شریک اصلی» تمام شود و کشور را در تنگنای نظامی و دیپلماتیک بی‌پایان قرار دهد. ترامپ پیش‌بینی کرد که اوکراین بخش‌های باقی‌مانده از منطقه دونباس را نیز از دست خواهد داد».

همچنین، روزنامه هم‌میهن که چند ماه قبل از زلنسکی به عنوان قهرمان دیپلماسی و دفاع از منافع ملی یاد کرده بود، صرفاً در صفحات داخلی، یک یادداشت با عنوان «دو راهی تسلیم یا پایان اتحاد» منتشر کرد و نوشت:

«تماس تلفنی میان لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه و همتای آمریکایی‌اش، از نگاه اوکراینی‌ها یک نقطه عطف بود که می‌توانست نقطه آغاز سختگیری‌های بیشتر علیه مسکو و افزایش حمایت‌ها از کی‌یف باشد. با این حال، زمان زیادی طول نکشید که این امیدواری به یک ناامیدی بزرگ تبدیل شد. صحبت‌های رئیس‌جمهور اوکراین، نشان داد که طرح ترامپ تا چه اندازه ناخوشایند و آزاردهنده است. واکنش اولیه محتاطانه بود. زلنسکی در ابتدا از همکاری با آمریکایی‌ها خبر داد. اما صحبت‌های روز جمعه او نشان داد که این طرح چیزی جز تسلیم کامل نیست. او گفت که اوکراین ممکن است به‌زودی در برابر انتخابی بسیار دشوار قرار گیرد؛ یا عزت خود را قربانی کند یا یکی از مهم‌ترین شرکایش را از دست بدهد».

یادآور می‌شود هم‌میهن چند ماه قبل، مقارن تحقیر زلنسکی (از سوی ترامپ که انزجار جهانی را برانگیخت) و همچنین زمزمه تغییر نام خلیج‌فارس توسط ترامپ نوشته بود: «خیلی‌ها متعجب‌اند که چرا ترامپ تصمیم گرفته به نام خلیج عربی رسمیت بخشد، آن هم در شرایطی که مذاکرات در جریان است. به نظر می‌آید در ایران اتفاق نظر وجود دارد که چون این مسئله مانند بسیاری از مسائل دیگر ناموسی است، باید به شدیدترین شکل با آن برخورد شود. از آنجا که طبق تجربه تاریخی، شخصیت ملی ایرانی، احساسی و آرمان‌گراست، مطرح کردن بحث خلیج عربی می‌تواند تله‌های احساسی پیش روی توسعه ایران را بگشاید... ترامپ، یک بار زلنسکی را از کاخ سفید بیرون انداخت، اما زلنسکی به خاطر منافع ملی بر خشم خود غلبه کرد و توانست ورق را به نفع خود برگرداند. او قرارداد مواد معدنی را با آمریکا امضا کرد تا کمک‌ها در جنگ مقابل روسیه قطع نشود. در سیاست خارجی، زلنسکی الگوی بهتری است تا شوونیست‌های احساسی آرمانگرا»!!

این در حالی بود که به گزارش رویترز و در جریان سفر دوم زلنسکی به آمریکا هم، «ترامپ، چندین بار از الفاظ توهین‌آمیز و زشت استفاده کرد». در این سفر زلنسکی، هیچ مقام آمریکایی -حتی در حد تشریفات فرودگاه- به استقبال نرفت و خلبان هواپیما در پایین پلکان از او استقبال کرد!

در پی رفتار اهانت‌آمیز ترامپ با زلنسکی در کاخ سفید، آقای پزشکیان رئیس‌جمهور کشورمان تاکید کرده بود «ترامپ می‌گوید بیایید گفت‌وگو کنیم و همان لحظه یادداشت تمام توطئه‌های ممکن را علیه ایران امضا می‌کند. تو اگر اهل مذاکره بودی، چرا این غلط‌ها را می‌کردی... از کاری که او با زلنسکی کرد آدم شرمش می‌آید».

درباره سابقه جنگ اوکراین، باید یادآور شد که اوکراین، دو دهه قبل، استقلال خود را با اعتماد به آمریکا معامله کرد، و در حالی که سومین زرادخانه تسلیحات اتمی جهان را داشت، همه آنها را طبق منافع آمریکا واگذار کرد! از سوی دیگر، غرب به مُهره‌ای مثل زلنسکی نیاز داشت تا در همسایگی روسیه، پایگاه تأسیس کند، مسکو را تحت فشار مضاعف بگذارد، و معادن غنی و کمیاب اوکراین از جمله اورانیوم را غارت کند. اما کدخدای آمریکایی، هر جا لازم باشد، متحدانش را قربانی می‌کند. آمریکا در جنگ اخیر، نه تنها به اوکراین بلکه حتی به آلمان و انگلیس و فرانسه و دیگر اعضای ناتو هم خیانت کرد؛ وسط سرمای زمستانی، هم خط لوله گاز نورد استریم را منفجر کرد و هم گاز را پنج برابر قیمت جهانی به فرانسه و آلمان و... فروخت! و بعدها مدعی شد که اروپایی‌ها باید پول سلاح‌هایی را که آمریکا به اوکراین می‌دهد، بپردازند!

درباره نقش آمریکا در برافروختن آتش جنگ اوکراین کافی است به چند تحلیل محافل آمریکایی مراجعه کنیم:

- جان مرشایمر: آنچه باعث بروز جنگ خانمان‌سوز اوکراین شد، سیاست‌های آمریکا بود. مردم اوکراین صرفاً قربانیان این سیاست هستند. ریشه اصلی جنگ، تلاش آمریکا برای تبدیل اوکراین به خاکریز در مرز روسیه است. اگر سیاست توسعه ناتو دنبال نشده بود، بعید بود جنگ رخ بدهد. آمریکا، اوکراین را به ویرانی هدایت کرد».

روزنامه نیویورک تایمز: آمریکا در جنگ اوکراین، فقط هدف تضعیف مسکو را دنبال کرده؛ مقامات ما معمولاً هدف واقعی را پنهان می‌کنند، اما بعضاً صریح‌تر حرف می‌زنند، مانند زمانی که وزیر دفاع گفت می‌خواهیم روسیه را ضعیف شده ببینیم.

- رابرت کندی، نامزد انتخابات آمریکا: لوید آستین وزیر دفاع، آوریل ۲۰۲۲ گفت هدف ما در جنگ اوکراین از پا درآوردن روسیه است. از پا درآوردن یعنی چه؟ یعنی به کشتن دادن اوکراینی‌ها. ما ۳۰۰ هزار اوکراینی را قربانی کرده‌ایم.

در پی رفتار تحقیرآمیز ترامپ با زلنسکی و دیکته صلح تحمیلی، نشریه فارین پالیسی نوشت: «این درس خوبی برای تمام کسانی است که آمریکا را دوست خود تصور می‌کنند».

ایران این بار اسرائیل را چند برابر قبل در هم می‌کوبد

«نگرانی جدید اسرائیل این است که راند بعدی شلیک موشک‌های ایران، بسیار بزرگ‌تر از قبل و در حد اشباع و فلج کردن پدافند اسرائیل خواهد بود».

رسانه صهیونیستی «Jewish News cendicate» در این‌باره نوشت: یک سیستم موشکی سطح به هوای S-۲۰۰ به نمایش گذاشته شده است و سلاح‌های سنگین، از جمله موشک‌های بالستیک، سیستم‌های دفاع هوائی و هواپیماهای بدون سرنشین، در نمایشگاهی در میدان بهارستان تهران در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۴ به نمایش گذاشته می‌شوند.

ایران بیشتر زرادخانه موشکی خود را بازسازی کرده و به سطح پیش از حمله اسرائیل و آمریکا نزدیک می‌شود. به گزارش خبرنگار نظامی کانال ۱۳، شش‌ماه پس از جنگ ژوئن گذشته، تهران تولید موشک‌های سطح به سطح را تسریع کرده و انتظار می‌رود ظرف چند ماه آینده حدود ۲۰۰۰ موشک جمع‌آوری کند که قادر به رسیدن به اسرائیل هستند.

بخش زیادی از زرادخانه باقی مانده که در شبکه‌های تونل‌های زیرزمینی ذخیره شده بود، از حملات اسرائیل آسیب ندیده و ایران در حال تأمین و تکمیل بقیه آن است. یکی از درس‌های کلیدی که ایران به نظر می‌رسد از جنگ گرفته، اهمیت عملیات عمیق‌تر زیرزمینی و کمتر تکیه بر دقت موشک است.

اسرائیل با نگرانی فزاینده‌ای به این افزایش نیرو نگاه می‌کند. علی واعظ، مدیر پروژه ایران در گروه بحران بین‌المللی، به نیویورک تایمز گفت که در جریان درگیری بعدی، ایران قصد دارد ۲۰۰۰ را همزمان شلیک کند تا دفاع اسرائیل را درهم بشکند، نه ۵۰۰ موشک در ۱۲ روز. بر اساس این گزارش، ایران شبکه دفاع هوائی خود را تقویت می‌کند.

هنوز نشانه‌ای وجود ندارد که ایران دوباره به غنی‌سازی اورانیوم بازگشته باشد، اما در حال پاکسازی سایت‌های آسیب دیده توسط اسرائیل و بازسازی زیرساخت‌های اطراف برنامه هسته‌ای خود است. به گزارش نشریه تایمز، ایران همچنین به نظر می‌رسد روی یک سایت غنی‌سازی جدید به نام کوه کلنگ کار می‌کند.

ایران پس از جنگ ژوئن یک نتیجه‌گیری مهم کرد: تمرکز بر عمق استقرار؛ حجم بیشتر، دقت کمتر، اتکا به اشباع سیستم دفاعی اسرائیل. ایران در جنگ ۱۲روزه، بیش از ۵۵۰ موشک بالستیک شلیک کرد و بیش از ۱۰۰۰ پهپاد تهاجمی را به‌کار گرفت. نگرانی جدید اسرائیل این است که راند بعدی شلیک موشک‌های ایران، بسیار بزرگ‌تر خواهد بود. هدف، اشباع کامل سامانه دفاعی اسرائیل، نه حمله تدریجی است.

در همین حال، پروفسور جین جائه-ایل پژوهشگر موسسه تحلیل‌های دفاعی کره جنوبی گفته است: نکته مهمی که هیچ‌کس در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل پیش‌بینی نمی‌کرد، دقت فوق‌العاده بالای موشک‌های ایرانی بود، موشک‌هایی که بی‌رحمانه، پدافند اسرائیل و آمریکا را در هم شکستند. اگر این جنگ فقط دو هفته دیگر ادامه پیدا می‌کرد، احتمال آن وجود داشت که اسرائیل به‌طور کامل فلج شود.

وی افزود: در ایران یک نقطه‌قوت مهم وجود داشت که در محاسبات اسرائیلی‌ها اصلاً در نظر گرفته نشده بود، اطلاعات بسیار دقیق ایران از نقاط حساس تل‌آویو.

پروفسور کره‌ای همچنین گفته است: ایران به‌عنوان یک کشور مستقل، حق دارد برنامه هسته‌ای داشته باشد. درحالی‌که تهران با آژانس همکاری کرده و شفافیت نشان داده، اسرائیل با داشتن ده‌ها کلاهک هسته‌ای کاملاً غیرشفاف است. مطالبه شفافیت از سوی تل‌آویو، با توجه به وضعیت اسرائیل، اساساً منطقی نیست.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

گول هیکل !

گفت: بالاخره کار اوکراین به کجا کشید؟!

گفتم: آمریکا زلنسکی را وادار کرد که بخش‌های وسیعی از خاک اوکراین را که روسیه تسخیر کرده است به روسیه بدهد و جنگ خاتمه پیدا کند!

گفت: زلنسکی بدبخت را همین آمریکا و اروپا برای جنگ با روسیه تحریک کرده بودند و با صراحت اعلام می‌کردند که اوکراین به نیابت آمریکا با روسیه می‌جنگد. حالا چی شد که اوکراین را بعد از چند میلیون کشته و مجروح و ویرانی‌های گسترده و هزینه‌های کلان و... رهایش کرده‌اند؟!

**گفتم: به مدعیان اصلاحات بگو که برای